

# فهرست جالب فعالیت‌های طلبه دهه هفتادی

گفت و گو با حجت الاسلام «مرتضی فلاح‌نژاد» که علاوه بر نجات هزار تن محصولات کشاورزی در منطقه جیرفت کرمان به ساخت ۱۰ مسجد و مدرسه، ایجاد اشتغال برای بیش از ۵۰۰ نفر، نجات معتادان، وساطت برای ازدواج و... مشغول است

ZENDEGI-SALAM

ضمیمه روزنامه خراسان

شنبه ۱۳ خرداد ۱۴۰۲

۱۴ دی القعه ۱۴۴۴ ۳ زون ۲۰۲۲

شماره ۲۱۲۲۷

۲۴۴۷



مجید حسین زاده | روزنامه نگار

پرونده

اوایل سال ۹۹ بود که به منطقه جیرفت کرمان رفت. از همان ابتدا، تصمیم نداشت تا فقط به عنوان یک امام جماعت مسجد در آن جا حضور داشته باشد. خیلی زود آستین‌ها را بالا زد تا بتواند با کمک و همراهی جوانان روستا، گرگ‌های بزرگی از مشکلات اهالی جیرفت را باز کند. حجت الاسلام «مرتضی فلاح‌نژاد» متولد سال ۱۳۷۵ است و علاوه بر ساخت مدرسه و مسجد برای ۱۰ روستا، آب رسانی به بیش از ۷ روستای جنوب کرمان و اشتغال آفرینی برای بیش از ۵۰۰ نفر با تلاش‌های شبانه‌روزی‌اش محقق شده است. در پرونده امروز زندگی‌سلام به سراغ این طلبه دهه هفتادی خوش فکر و فقیه که قدم‌های بزرگی برای آبادانی اهالی جیرفت بر داشته و محبوبیت زیادی در بین مردم آن خطه دارد.

## شروع کار من از زمان شهادت حاج

### قاسم بود

به عنوان اولین سوال از اومی پرسم از چه زمانی تصمیم گرفته که راهی جیرفت برای خدمت به مردم این منطقه شود که می‌گوید: «شروع کار من از زمان شهادت حاج قاسم سلیمانی بود. آن موقع بود که تصمیم به این کار گرفتم. شهادت ایشان جرعه‌ای در ذهنم زد که من هم باید مثل حاج قاسم برای خدمت به مردم بیشتر از حد توانم، کار کنم و انگار بعد از آن، زنده شدم در این مسیر و تصمیمم را برای انجام کارهای جهادی، جدی‌تر از قبل عملیاتی کردم.»

## دهه هشتادی‌ها بیشتر از بقیه پای

### کارهایم هستند

باتوجه به تصاویری که از او در بین بچه‌های اهالی جیرفت دیدم، متوجه ارتباط بسیار خوب او با نوجوانان و جوانان روستا شدم. حجت الاسلام «فلاح‌نژاد» در همین باره می‌گوید: «من در جنوب شرق کشور، مردم خونگرم زیادی را دیدم. البته بعضی مردم ذهنیت‌های درستی درباره اقدار مختلف جامعه ندارند اما وقتی دیدند که من با لباس طلبگی، برای کمک به آن‌ها وارد میدان شدم، خیلی استقبال کردند و نظرشان متفاوت شد. مردم دنبال یادگیری و مربی هستند چون ذات انسان کمال‌گراست و دوست دارد که رشد کند. مردم می‌بینند که البته حرف تنها نیست، عمل هم هست و من برای هر کاری در کنارشان هستم، بنابراین خیلی استقبال می‌کنند. مساجدی در این جا هست، من هر وقت فراخوان می‌دهم، بیشتر از همه نوجوانان و دهه هشتادی‌ها می‌آیند پای کار. من هم هر روز، ساعتی را برای همنشینی با آن‌ها اختصاص می‌دهم تا این رابطه دو طرفه، بیشتر تقویت شود.»



## هم مانع دلالت و هم خراب شدن

### محصولات شدم

احتمالا شما هم بارها از خراب شدن محصولات کشاورزی در شهرهای مختلف کشور شنیده‌اید. محصولاتی که با سودجویی‌های دلالتان یا گاهی به دلیل نبودن بازار و فراوری نشدن نابود می‌شود. این طلبه دهه هفتادی می‌گوید: «سیب زمینی، پیاز و گوجه فرنگی جزو اصلی‌ترین محصولات کشاورزان منطقه جنوب کرمان است که متأسفانه با مشکلات بسیاری هر ساله مواجه می‌شود. بعد از استقرار در مسجد با جمعی از جوانان تصمیم گرفتیم برای محرومیت‌زدایی از مردم این منطقه تلاش کنیم. با کمک خیران و اعتماد آنان هزار تن محصول کشاورزان را خریداری کردیم. محصولات را در سه مسیر مصرف کردیم. اول بخشی را میان نیازمندان رایگان توزیع کردیم. بخش دوم را با کمک نیروهای جهادی و جوانان شهر برای حذف دلالتان خودمان به بازارهای هدف مانند بازار میوه و تره بار تهران ارسال کردیم و با قیمت مناسب فروختیم. بخش دیگری از محصولات را هم فراوری کردیم که با قیمت بسیار بالاتری به بازار عرضه شد، سود بسیاری را هم نصیب مردم و کشاورزان کرد. ما پیاز را به صورت سرخ کرده و گوجه را به صورت رب به بازار فرستادیم. محصولات ما حتی در تهران هم توزیع شده به فروش رسید. برای این کار زنان سرپرست خانوار، ایتم‌و جوانان بیکار را مشغول کار کردیم و افرادی هم در زمینه خرید و حمل و نقل مشغول کار شدند. در مجموع توانستیم در این فرایند برای ۵۰۰ نفر مستقیم و غیرمستقیم شغل ایجاد کنیم.»

## اول ترک دادن معتادان، بعد

### اشتغال زایی برای آن‌ها

این طلبه دهه هفتادی در کنار اشتغال‌زایی، موضوع کاهش آسیب‌های اجتماعی در آن منطقه را هم در برنامه قرار داده است. او به جای این که معتادها را به حال خودشان رها کند، با چندین کمک ترک اعتیاد ارتباط گرفته تا بتواند به این افراد آسیب‌دیده و خانواده‌های‌شان کمک کند. خودش در این باره می‌گوید: «ما برای افراد زیادی به خصوص جوانان شهر، اشتغال ایجاد کردیم. بعدا متوجه شدم برخی از افرادی که در این چرخه ما مشغول کار شدند، اعتیاد دارند. با ارتباطی که با کمک‌های ترک اعتیاد گرفتم و با حضور کارشناسان این حوزه و سخنرانی برای آن‌ها، بیشتر این معتادها را ترک دادیم. سپس افرادی را که پاک می‌شوند در این چرخه مشغول کار می‌کنیم تا هم دیگر سراغ اعتیاد نزنند و هم درآمدی برای گذران زندگی و خانواده داشته باشند.»

## شهرداری نپذیرفت،

### خودم درخت کاشتم

او در روز درختکاری، یک ایده جذاب دیگر را اجرایی کرده و تعداد زیادی درخت میوه را برای نیازمندان کاشته تا هم مراقب آن‌ها باشند و هم از محصولاتش استفاده کنند. این طلبه در همین باره می‌گوید: «شهرداری‌های مناطق مختلف در این جا، درخت‌هایی را می‌کارند که جز سایه هیچ ثمره‌ای برای منطقه و مردم ندارند. من پیشنهاد دادم که وقتی دارید برای نگهداری از این درخت‌ها، آبیاری‌شان و ... هزینه می‌کنید، درخت‌های بومی منطقه را بکارید تا از ثمره‌اش هم استفاده شود. آن‌ها حرف من را رد کردند بنابراین داوطلبانه دست به کار شدم و هزار و خرده‌ای درخت میوه و مثمر تهیه کردم و در نقاطی از شهر کاشتم و بین خانواده‌های نیازمند و ایتم توزیع کردیم. روال کار هم این طور شد که به هر خانواده ۸ اصله درخت دادیم که هر کدام در یک فصل سال میوه و ثمره‌دهی دارند تا این خانواده‌ها در هر فصل سال خود کفا باشند و بتوانند برای خود درآمدی داشته باشند و گذران زندگی کنند. این درختان شامل خرما، لیموترش، پرتقال، انگور، انجیر، انبه، موز و شاه توت است. البته بعدش هم برنامه داشتیم که با آن خانواده‌ها، هفته‌ای یک بار ارتباط بگیریم و به بهانه سرزدن به درخت‌ها و نگهداری از آن‌ها از مشکلات‌شان باخبر شویم. هر درخت هم به نام یک شهید نام‌گذاری شد تا کارمان برکت بیشتری داشته باشد که خدا را شکر، موفق شدیم و الان دعای خیر مردم پشت سرمان است. چند وقت پیش هم، باغ‌فدک را به وسعت ۲/۵ هکتار که چیزی حدود ۴۰۰ درخت خرما دارد، احداث کردیم و بخشی از آن متعلق به ایتم است.»

## فعالیت نیکوکارها را تشکیلاتی

### کردیم

او بسیاری از طرح‌هایش را با کمک خیران و گروه‌های جهادی انجام داده است. از اومی پرسم که چطور موفق به این کار شده است که می‌گوید: «من زمانی که به جیرفت آمدم، متوجه شدم که خیرین و چندتا از گروه‌های جهادی هستند که در این مناطق به صورت جداگانه و در مناطق محروم دیگر کرمان فعالیت می‌کنند. با راه‌اندازی یک هیئت، همه این‌ها را آوردم پای کار، به عبارت دیگر فعالیت‌های‌مان را تشکیلاتی کردیم تا ثمربخشی تلاش‌های‌مان را بیشتر کنیم. سپس با همراهی آن‌ها، فهرستی از مشکلات در این مناطق آماده کردیم و هدف‌هایی را در نظر گرفتیم. مثلا قرارگاه هیئت جهادی جنت الحسین علیه‌السلام کمک بسیاری به ما کرد که جادار از آن‌ها تشکر ویژه‌ای داشته باشیم. شاید خودم هم فکر نمی‌کردم که این قدر همبستگی خوبی در این منطقه برای کمک به مردم رقم بخورد.»

## هر جا بحرانی دیدم، بدون تعلل

### ورود کردم

به اومی گویم چطور در حوزه‌های گوناگون همچون ساخت مدرسه و مسجد، آب رسانی به روستاها، کشاورزی، ایجاد اشتغال، نجات معتادان، وساطت برای ازدواج و... فعالیت داشتید که می‌گوید: «هر جا بحرانی دیدم که متوجه مردم است و مردم آسیب می‌بینند، بدون تعلل ورود کردم. من روز به روز اشتیاقم به این کارها و فعالیت‌های خیرخواهانه بیشتر می‌شود چون ذوق و شادمانی از ته دل را در مردم می‌بینم. بنابراین هر روز حاضرم کل وقت را بگذارم پای این کار تا مردم احساس ناامیدی نکنند. ظرفیت‌های زیادی هست که باید به کار گرفته شود تا الان هم به مردم جیرفت ثابت شده که من فقط اهل حرف‌زدن نیستم و برنامه‌های عملیاتی دارم.»

## ۱۵ روستا را از شر آب ناسالم

### نجات دادیم

«در بحث آب رسانی، متوجه شدم یک سری از مردم مریضی‌هایی گرفتند که دلایلش کیفیت آبی است که از موتورهای کشاورزی می‌نوشند». این طلبه دهه هفتادی با این مقدمه می‌گوید: «در زمان فعالیت برای ساخت مسجد و مدرسه، متوجه بیماری‌هایی در میان مردم شدم که سرمنشاء را بررسی کردیم و با مشورت با کارشناسان مطلع شدیم که دلیل این بیماری‌ها، آب ناسالم مصرفی این مردم است. مردم این روستاها از آب موتور کشاورزی استفاده می‌کردند که با روغن و سموم مخلوط شده و متأسفانه بیماری‌های عجیبی میان مردم ایجاد کرده بود. بنابراین آمدم پای کار تا مشکل را حل کنیم. در قدم اول به سراغ مسئولان آب و فاضلاب منطقه رفتیم. تمام نقشه‌های روستاهای فاقد آب را برآورد هزینه‌از آب و فاضلاب دریافت کردیم و حتی میزان لوله لازم را اعلام کردند. این نیازمندی‌ها را به خیرین تهران ارجاع دادم و از آنان کمک گرفتم. هیئت جهادی جنت الحسین هم در این زمینه کمک‌رسانی بسیاری کرد. با فراهم شدن منابع مالی لازم کار آب‌رسانی را آغاز کردیم و تقریبا ۱۵ روستا را در جنوب کرمان، آب‌رسانی کردیم.»

## از ساخت مسجد و مدرسه تا وساطت

### برای ازدواج

او که دغدغه کار فرهنگی هم دارد، می‌گوید: «علاوه بر فعالیت‌های اقتصادی که از نظر من بسیار مهم است، در زمینه فرهنگی برگزاری مجالس و تعظیم شعائر اهل بیت (ع) و وساطت برای ازدواج زوج‌های جوان محله را هم انجام می‌دهم. در یک سال اول فعالیتیم در این جا توانستم واسطه‌آشنایی و ازدواج ۱۰ زوج جوان شوم که همگی دختران و پسران مسجیدی بودند. همچنین وقتی به این جا آمدم متوجه شدم که روستاهای این منطقه فاقد مسجد و مدرسه هستند. یعنی حدود ۶،۵ روستایک مدرسه و مسجد داشتند یا اصلا نداشتند. بعد از هم‌اندیشی و مشورت تصمیم گرفتیم مساجد و مدرسی مشابه خانه‌های بومی روستاییان بسازیم. در همین باره باید بگویم باتوجه به این که بودجه لازم برای ساخت بنای مجزا را نداشتیم، تصمیم گرفتیم مدرسه و مسجد تلفیقی بسازیم یعنی یک بنایی ساخته شود که هم مسجد و هم مدرسه باشد. برآورد هزینه ساخت هر مسجد و مدرسه، حدود ۳۰ میلیون تومان شد که همه‌اش با ۱۵۰ میلیون تومان محقق شد.»



## تنها آرزویم ناامید نبودن جوانان

### وطنم است

از حجت الاسلام «فلاح‌نژاد» درباره دلیل این همه تلاش و پیگیری می‌پرسم؛ این که چه آرزوهایی در این مسیر دارد که می‌گوید: «اشتغال آفرینی باعث می‌شود که مردم به خصوص جوانان از حالت یأس و ناامیدی درآیند. من تلاش کردم که به جوانان یاد بدهم که حتی از پیاز در آستانه خراب شدن هم می‌توان تولید کار کرد. مثلا جیرفت متأسفانه ترابری درستی نداشت. من با تعدادی از میوه‌فروشا و حتی تعدادی از مساجد و حسینیه‌های تهران هماهنگ می‌کردم، به محض این که نیاز بود، به سرعت ورود می‌کردیم و پیازهای این جا را می‌فرستادیم تهران. مثلا سیر بشاگرد را آوردیم تهران و تبدیل به ترشی سیر کردیم یا پیاز را آوردیم و سرخ کردیم و... چند وقت پیش هندوانه‌های جنوب کرمان در معرض آسیب و خراب شدن بود. سریع ورود کردیم و هنوز هم در حالت آماده‌باش هستیم که در صورت نیاز پشتیبانی کنیم که به شهرهای دیگر برود. ما باور داریم که کار جمعی موفقیت دارد نه کار فردی. تنها آرزوی من هم این است که جوان ایرانی، ناامید نباشد. هدفم این است که به او نشان بدهم اصلا جایی برای ناامیدی نیست و فرصتی برای آن نداریم.»

